

موضوع: راهکارهایی برای پیشگیری از غیبت

مینو عزتی^۱

چکیده:

غیبت، اعظم مهلکات و اشد معاصی است و به اجماع جمیع امت و صریح قرآن و احادیث پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه اثنا عشر علیهم السلام حرمت آن ثابت است و در روایات بسیاری هم این عمل زشت تقبیح شده و عذاب سختی برایش بیان گردیده است.^۲ غیبت یکی از گناهان و لغزش های بزرگ زبان است که در اصطلاح به معنای پشت سر مومن بدگویی کردن با گفتار یا اشاره است و در آیه ۱۲ از سوره مبارکه حجرات به صراحت و در آیات دیگر از جمله آیه ۱۴۸ سوره نساء، آیه ۱۹ سوره نور، آیه ۳۶ سوره اسراء و آیه ۱ سوره همزه به تلویح از آن نهی شده است. علت این نهی را در پیامدهای مهلک فردی و اجتماعی آن می توان دانست. هدف در این تحقیق ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از غیبت، به ویژه توجه به آیات قرآن کریم و سیاق آنهاست که به روش توصیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتیجه بررسی غیبت در نظام اخلاقی اسلام از رذائل اخلاقی محسوب شده و در فرهنگ اسلامی از عوامل انحطاط و خسران فرد و جامعه تلقی می شود که موجب اختلال در بهداشت روانی فرد و وحدت و انسجام جامعه می گردد. در این پژوهش ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی غیبت، آثار غیبت کردن و راهکارهایی برای پیشگیری از این بیماری ارائه شده است.

کلید واژه ها: غیبت کردن، غیبت در اسلام، آثار غیبت، كفاره غیبت، راههای درمان غیبت

^۱ - طلبه پایه اول سطح ۲، حوزه علمیه امام خمینی (ره)

^۲ - نراقی، احمد (۱۳۶۷)؛ معراج السعاده، ص ۴۰۷

غیبت از آن دسته گناهانی است که به طور مستقیم شخصیت انسانها را زیر سؤال می برد و گاهی آن را در نظر دیگران بی ارزش می کند؛ چرا که غیبت، همان گفتن سخن ناروا پشت سر دیگران است، که هرگز کسی بدان سخن رضایت ندارد. بر اساس مبانی دینی، غیبت به عنوان یک رفتار نابهنجار محسوب می شود. این رفتار ضد ارزشی، موجب بروز آسیبها و مشکلات متعدد اجتماعی می شود و از آنجا که متأسفانه در جامعه فعلی هم رواج دارد، بازخوانی و بازکاوی این پدیده با توجه به مدل های متنوع روابط جمعی، ضروری به نظر می رسد، تا با شناخت آسیبها و درمان آن، گامی مهم در مقابل انحرافات، برداشته شود. غیبت کردن یعنی پشت سر دیگران حرفی را بزنیم که راضی به گفتن چنین حرفی نباشند. غیبت کردن از گناهان کبیره می باشد و به شدت نهی شده است.^۳

بیماری که مخصوص جسم نیست. خیلی از مردم بدون آنکه زیاد متوجه باشند دچار بیماری های روحی و عادات غلطی در زندگی هستند که از نظر اسلام بسیار نهی شده است. غیبت کردن یکی از همین رفتارهای ناپسند بوده که این روزها بسیار فراگیر شده است. غیبت آسیب رسان و بسیار مخرب است. غیبت، چه عمدی و چه سهوی، آسیب های فراوانی به دنبال دارد. به جای اینکه در مورد آدمها و پشت سر آنها حرف بزنیم، باید با خود آنها حرف زده و مشوقشان باشیم.^۴

از آنجاکه غیبت کردن معمولاً از یک گپ کوتاه شروع می شود، قبل از اینکه بفهمیم داریم غیبت می کنیم در آن گرفتار خواهیم شد. خیلی از آدمها از اینکه بقیه بفهمند آنها پشت سر کسی غیبت می کنند، واهمه دارند. بیشتر اوقات واقعاً منظور نداریم که پشت کسی حرف بزنیم اما اینکار را می کنیم چون از فکرمان استفاده نمی کنیم. اولین قدم برای ترک یک عادت بد از زندگیتان آگاه شدن از

آن است. همین امروز، آگاهانه و بادقت به کلمات خودتان دقت کنید. سعی کنید قبل از اینکه کلمه ای بد در مورد کسی به زبان آورید، فکر کنید.

همانطور که غیبت کننده ها دوست دارند ناشناس بمانند، خیلی ها هم عاشق موج اخبار بد و وحشت آور هستند. خیلی از افراد پرمشغله به دلایلی با اخبار خوب به اندازه اخبار بد هیجان زده نمی شوند. این نیازمند این است که به دنبال چیزهای خوب برای حرف زدن باشید. می دانید که نقاط خوب و مثبت در همه آدمها وجود دارد. وقتی روزتان را با خوب به جای بد شروع می کنید، زندگیتان را روشن تر می کنید. خوبی های زیادی در دنیا وجود دارد، فقط باید به دنبال آن باشید و در مورد آن حرف بزنید.^۵

^۳ - گنجینه معارف (۱۳۹۱)

^۴ - www.namnak.com

^۵ - www.mardoman.net

غیبت در لغتنامه دکتر معین اینگونه تعریف شده است "غیبت یعنی عیب کسی را در غیاب وی گفتن و بد گفتن پشت سر کسی یا بدگویی در غیاب کسی".^۶

و اما لوئیس معلوف در کتاب المنجد، غیبت را اینگونه تعریف می کند: بدگویی در پشت سر دیگری، آنچه در غیاب شخص بدگویی می شود اگر در او باشد آن غیبت است و اگر در وی نباشد بهتان نامیده می شود و اگر روبرو گفته شود آنرا شتم (فحش) گویند. کلمه غیبت اسم است به معنی اغتیاب و بدگویی.^۷

معنای لغوی:

"غیبت" مصدر "غاب" و هم [اسم] مصدر "اغتیاب" است، جوهری می نویسد: "اغتیاب، چون در غیبت افتد و در غیاب کسی بدی وی گوید که نام آن "غیبت" است و غیبت آن است که در غیاب کسی سخنی گوید که اگر آن کس بشنود رنجیده گردد، چون آن سخن راست باشد، آن را غیبت گویند و چون دروغ باشد آن را بهتان نامند.

و صاحب قاموس وتاج العروس "غاب" را به معنی "عاب" یعنی عیب جویی گرفته اند. و فیومی در مصباح منیر می نویسد:

"اغتیاب، وقتی او را به صفات ناپسند که او آن ها را ناخوش دارد یاد کند و سخن گوینده راست باشد". به اعتقاد امام در چهل حدیث، هیچ یک از معانی مذکور، معنی لغوی غیبت نیستند، بلکه در هر یک قیودی است که با معنی اصطلاحی در هم آمیخته است. در هر صورت بحث در اطراف معنی لغوی چندان فایده ندارد، عمده به دست آوردن موضوع شرعی است که متعلق تکلیف شده و ظاهراً در اینجا قیدهای شرعی وجود دارد که خارج از فهم عرفی و معنی لغوی است.

معنای اصطلاحی:

شهید ثانی در کشف الریبه غیبت را چنین تعریف نموده است:

"غیبت آن است انسان مردم را متوجه عیوب شخصی بکند که او دوست ندارد این سخنان درباره اش زده شود و هدف گوینده آن باشد که به آن شخص اهانت کند و او را تحقیر نماید". وی به دلیل اینکه در این تعریف، غیبت منحصر در ذکر زبانی نشده، آنرا ترجیح داده است.^۸

^۶ - معین، محمد؛ جلد سوم ص ۲۰۱۹

^۷ - لوئیس معلوف، المنجد؛ ج ۲، ص ۱۲۷۶

^۸ - www.motaleat.tahzib-howzeh.com

غیبت در اسلام:

در قرآن و روایات از فرد غیبت کننده به تعبیر مختلفی یاد شده است:

کسی که گوشت برادر مرده خودش را می خورد ، منفورترین مخلوقات ، بدترین مردم ، شریک شیطان ، منافق و...

در روایات مختلف از خود غیبت به عنوان عملی زشت تر از زنا و خورشت سگان اهل جهنم یاد شده است.

آثار غیبت کردن:

از جمله آثار غیبت کردن در جامعه عبارتست از:

ایجاد کینه و دشمنی

ترویج حسادت

افزایش دورویی در بین افراد

از هم گسستن اتحاد

سست شدن پایه های دین

چه زمانی حرف ما غیبت محسوب می شود؟

اگر حرفی که می زنید شرایط زیر را داشته باشد غیبت محسوب می شود:

فردی که درباره اش حرف می زنید در جمع حاضر نباشد. حرف شما عیب و نقص او را بازگو کند. عیبی که از آن حرف زده اید از عیوب پنهان او باشد. فرد از شنیدن حرفی که درباره اش زده اید اکراه داشته باشد.

کفاره غیبت کردن

توبه کردن از گناهانی همچون غیبت بر هر مسلمانی واجب است و اگر کسی مرتکب این گناه بشود وبدون توبه از دنیا برود در روز قیامت با گناه خود روبرو خواهد شد و راه گریزی ندارد. پیامبر (ص) درباره کفاره غیبت فرمودند:

"کفاره غیبت آن است که برای شخصی که از او غیبت کرده ای آمرزش بطلبی."

بر اساس روایات شخصی که از او غیبت شده است بر غیبت کننده حقی پیدا می کند و باید در صورتی که ممکن است از او طلب عفو کرده و او را راضی کند. اگر فردی که غیبتش را کرده اید مرده است یا به او دسترسی ندارید و یا می ترسید که دشمنی به وجود بیاید برای او طلب مغفرت کنید و از خدا بخواهید که از او راضی باشد. برای این کار می توانید دعای شماره ۳۹ صحیفه سجاده را بخوانید.^۹

از چه کسانی می شود غیبت کرد؟

در بعضی از موارد غیبت کردن گناه به حساب نمی آید. امام باقر (ع) در این باره فرموده اند:

غیبت کردن درباره سه گروه اشکالی ندارد: پادشاه ستمگر، فاسقی که آشکارا گناه می کند و بدعت گذار.

غیبت کردن درباره ستم کسی که به دیگران ظلم می کند. خداوند در آیه ۱۴۸ سوره نسا می فرماید:

"لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ..."

"خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد ست واقع شده باشد..."

غیبت کردن درباره کسی که آشکارا گناه می کند و از ارتکاب به آن گناه پیش چشم مردم هراسی ندارد.

غیبت کردن درباره بدعت افراد بدعت گذار غیبت محسوب نمی شود و راهی است برای آن که مردم راه نادرست را بشناسند و منحرف نشوند.

غیر از این سه مورد حرف زدن پشت سر دیگران غیبت به حساب نمی آید:

۱. اگر غیبت کردن شما دادخواهی از ظالم باشد.
۲. اگر غیبت کردن شما نهی از منکر به حساب بیاید.

^۹ - خبرگزاری بین المللی قرآن www.iqna.ir

دارد و قبل از اینکه شخصیت اجتماعی دیگری را بشکند، شخصیت خودش را درهم می شکند. و موجبات سلب اعتماد دیگران را فراهم می آورد .

همچنین غیبت کننده باید به این نکته توجه کند که نیروهای انسان محدود است؛ بنابراین اگر نیرویی را که برای ریختن آبروی اشخاص و شکستن موقعیت اجتماعی آنها صرف می کند، در رقابت های صحیح و سازنده به کار بگیرد، در زمان کوتاهی از رقیبان خود پیشی می گیرد بدون اینکه ضربه ای بر افراد وارد کند.^{۱۵}

و اما مهدی نراقی در کتاب علم اخلاق اسلامی (۱۳۸۹)، راه معالجه و ترک غیبت را اینگونه بیان فرموده اند: راه معالجه و ترک غیبت این است که آدمی اولاً مفساد و عقوبتهای اخروی آن را به یاد آورد ، وثانیاً مفساد و بدی های آن را در دنیا متذکر باشد، زیرا گاهی غیبت کسی که از او غیبت میشود به او میرسد، و این منشا عداوت و یا باعث زیادی دشمنی و بغض وی میگردد ، و در مقام اهانت و اذیت او برمی آید ، و بسا ممکن است کار به جایی منجر شود که چاره آن نتوان کرد ، از قبیل زدن و کشتن و مانند اینها . ثالثاً فوائد اضرار آنرا به خاطر آورد . و بعد از اینها مراقب زبان خود باشد ، و پیش از آنکه بخواهد زبان به گفتار بگشاید در آن بیندیشد ، که هرگاه متضمن غیبت است خاموش باشد ، و به این شیوه و لو به تکلف و سختی ادامه دهد ، تا میل آشکار و نهان به غیبت از دلش بیرون رود.^{۱۶}

یکی از راههای شناخت بزرگ بودن گناه، مقایسه آن با دیگر گناهان بزرگ (معاصی کبیره) است .

یکی از صریح ترین آیات در نکوهش غیبت که آن را گناهی کبیره دانسته، این آیه از سوره حجرات است:

«يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحما اخيه ميتا فكرهتموه»

ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری گمانها در حق یکدیگر پرهیزید که برخی از گمانها گناه است و درباره یکدیگر تجسس نکنید و برخی از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا هیچ یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ البته از آن کراهت دارید.

^{۱۵}- بهجت، محمد تقی (۱۳۸۸)؛ در محضر، ص ۱۹

^{۱۶}- نراقی، مهدی (۱۳۸۹)؛ علم اخلاق اسلامی، ص ۴۰۸

دراین آیه، غیبت، با خوردن مردار مقایسه شده که از گناهان بزرگ به شمار می رود. اگر مردار، گوشت گوسفند باشد، حرام است؛ چه رسد به این که گوشت انسان باشد و از آن مهم‌تر این که انسان با مرده، رابطه برادری هم داشته باشد. از این مقایسه میتوان دریافت که غیبت تا چه اندازه زشت و ناپسند است.

راه دیگر برای شناخت بزرگ بودن گناه، بیم و وعید الهی به عذاب دردناک است. آن جا که خداوند، جزای رفتار زشتی را عذاب دردناک معرفی کند.

خداوند متعالی در قرآن کریم می فرماید :

«ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الذين امنوا لهم عذاب اليم»

همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی در بین کسانی که ایمان آورده اند شایع شود، عذاب دردناکی است که مفسران، عبارت «ان تشيع الفاحشه» در آیه کریمه را به غیبت تفسیر کرده اند.

- چند روایت در باب غیبت:

حضرت رضا (ع) می فرماید :

حق المومن علی المومن و لا یغتابه

. حق مؤمن بر مؤمن این است که از او غیبت نکند.

رسول خدا (ص) فرمود :

للمؤمن علی المؤمن سبعة حقوق واجبه من الله عز و جل و ان یحرم غیبه.

برای هر مؤمن در برابر مؤمن دیگر، هفت حق واجب از سوی خداوند عز و جل وجود دارد و یکی از آنها حرمت غیبت از او است.

امام صادق (ع) فرمود :

للمسلم علی اخیه ثلاثون حقاً لبراءه منها الا بالاداء او العفو ان احدکم لیدع من حقوق اخیه شیئاً فیطالبه به یوم القیامه فیقضی له و علیه.

مسلمان بر گردن برادرش سی حق دارد که هیچ رهایی از آنها نیست، مگر آن که صاحب حق او را ببخشد. همانا هر یک از شما که چیزی از حقوق برادرش را نادیده بگیرد، آن برادر در روز قیامت از او خواهد طلبید؛ پس به ضرر او و به سود آن برادر حکم می شود.

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

من القی جلاباب الحیاء فلا غیبه له.

کسی که پرده حیا را به دور افکنده است، غیبت درباره اش معنا ندارد .

پرده داری برای کسی که از گناه کردن باکی ندارد، بی مفهوم است؛ چه رسد به کسی که از عمل ناشایست خود خشنود می‌شود و به آن افتخار هم میکند. چه ناپسند است که انسان، با غرور و افتخار گناهش را وصف کند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

" طوبی لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ ؛

خوشا به حال کسی که عیب و نقص خودش او را سرگرم کرده است تا به عیوب دیگران نپردازد.^{۱۷}

غیبت موجب بدبینی افراد نسبت به یکدیگر می‌شود و جو صفا و صمیمیت را به هم می‌زند که این امر در گروه های کوچک، کاربرد بیشتری دارد.

امام خمینی (ره) راجع به ضررهای اجتماعی غیبت می‌فرماید :

"یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام (سلام الله علیهم) که علاوه بر آن که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهامّ امور و جلوگیری از تعدّیات ظالمانه ارباب تعدّی است که مستلزم فساد بنی الانسان و خراب مدینه فاضله است و این مقصد بزرگ که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد، مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد... مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است، آنچه موجب ازدیاد این معانی شد، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ او است و پرواضح است که این کییره موبقه غیبت اگر رایج شود، در بین جمعیت موجب کینه، حسد، بغض و عداوت شده و ریشه فساد در جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آنها ایجاد کند و برومند نماید و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند و پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و قبح آن افزوده گردد "^{۱۸}.

^{۱۷}-محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۲، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۲۶

^{۱۸}-امام خمینی، چهل حدیث، ص ۳۱۶

نتیجه گیری:

در یک ساختار اجتماعی که براساس ارزش های دینی شکل گرفته است، نوع روابط هنجارمند نیز معین شده و بر مبنای ارزش های دینی قرار گرفته است. با تعمق در این معارف مشخص می شود که بعضی از رفتارها، عقاید باورها و هنجارها، روابط اجتماعی را تحکیم می بخشند، از قبیل صله رحم، سلام کردن، قرض الحسنه دادن، پرداخت خمس، زکات و بسیار موارد دیگر که در اسلام به آنها سفارش و تأکید شده است و بر آنها ثواب و پاداشی اخروی و دنیوی مترتب است و بعضی دیگر موجب از هم گسیختگی و بی سازمانی جمعی می شوند و در فرایند کنش متقابل، تأثیر مخرب دارند که از آنها نهی و مذمت شده و عقاب مترتب است که به طور فهرست وار به چند از مصادیق آن اشاره می شود: نهی از اذیت، تحقیر، پی جویی لغزش ها و عیوب، افشای عیوب دیگران، تهمت، سرزنش افراد، دشنام گویی، سوءظن، خلف وعده، نهی از سخن چینی، پرهیز از ترساندن دیگران و غیبت.

غیبت از زمره گناهانی می باشد که در روابط و کنش متقابل جمعی، از شدت تخریبی زیادی برخوردار است که به نحو اجمال به این اثرات اشاره می گردد:

اختلال در همبستگی اجتماعی - بی سازمانی اجتماعی - بی نظمی اجتماعی - تزلزل موقعیت و منزلت اجتماعی افراد - واگیری اجتماعی - ایجاد دشمنی و کینه

غیبت علاوه بر اثرات اجتماعی از پیامدهای فردی نیز برخوردار است که به طور فهرست وار اشاره می گردد :

محو شدن حسنات فرد، عذاب اخروی، سنگین شدن بار گناه انسان در قیامت، خروج از تحت ولایت الهی و ورود در ولایت شیطان، عدم قبولی روزهو اختلال در امنیت روانی افراد.

راهکارهای پیشگیری از غیبت در این پژوهش گفته شده است که برخی از آنها را بر می شمیریم:

به جای اینکه در مورد آدمها و پشت سر آنها حرف بزنیم، باید با خود آنها حرف زده و مشوقشان باشیم.

از نظرات خوب، کلمات تشویق آمیز یا تحسین و تمجید برای خشتی کردن غیبت استفاده کنید.

خوبی های زیادی در دنیا وجود دارد، فقط باید به دنبال آن باشید و در مورد آن حرف بزنید.

می توان با خویشتن داری و تلاش، از غیبت کردن اجتناب کرد.

منابع :

- آیت ... بهجت (۱۳۸۸)، در محضر؛ ص ۱۹
- امام خمینی، چهل حدیث.
- حجرات / سوره ۴۹، آیه ۱۰
- حجرات / سوره ۴۹، آیه ۱۲
- رحمتی، رضا (۱۳۹۳)؛ احادیثی در مورد غیبت کردن
- گنجینه معارف (۱۳۹۱)، راهکارهای عملی درمان غیبت
- لویس معلوف، (۱۳۸۱)، المنجد عربی-فارسی؛ ترجمه محمد بندر ریگی؛ جلد ۲، ص ۱۲۷۶
- محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ ۲، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۲۶.
- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، انتشارات دار الحدیث، چ ۱، ج ۳، ص ۲۳۴۰.
- معین، محمد؛ لغتنامه معین؛ جلد سوم، ص ۲۰۱۹
- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، مؤسسه مطبوعاتی هدف، چاپ ۲، ۱۳۶۷، ص ۴۰۷.
- نراقی، مهدی (۱۳۸۹)؛ علم اخلاق اسلامی؛ ص ۴۰۸

www.iqna.ir

www.mardoman.net

www.motaleat.tahzib-howzeh.com

www.namnak.com

www.wikiporsesh.ir